عدم تأثیر لیالی مقمره در تبیّن فجر

(2:10)

در جلسه قبل بحثی راجع به لیالی مقمره شد، آقا به من جزوه‌ای الآن دادند. ان شاءالله نگاه می‌کنم و بعداً عرض می‌کنم. نمی‌دانم در همین مباحثه بود یا بعد از ظهرها بود که فقه مباحثه می‌کردیم، یادم هست که چند جلسه راجع به لیالی مقمره بحث کردیم. تأکیدی که عرض من بود، این بود که در آیه شریفه «حَتّٰى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ» [1] عرفی «تبیّن» این است که دارد آن را جزء موضوع قرار می‌دهد یا نه، آیه شریفه تلفیقی است مثل سائر ادله شرعیه که همه موضوع را می‌گوید و همه بناء عقلائی و اصل عملی استصحاب را یاد می‌دهد؟ [آیا] «حتی یتبیّن» یعنی این تبیّن، موضوع شد؟! پس چرا می‌فرمایند: «من الفجر»؟! «من الفجر» یعنی آن چه که موضوع است، فجر است. «یتبیّن لکم» مربوط به «کلوا و اشربوا» است. یعنی شما این جور نباشید که از دو ساعت قبلش احتیاط کنید و چیزی نخورید؛ یعنی بگویید شاید طلوع کرده باشد! نه، موضوع فجر است. «يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْفَجْرِ»؛ پس «الفجر» موضوع است؛ همانی که متشرعه همه می‌گویند. وقت نماز صبح فجر صادق است. نمی‌گویند «تبیّن فجر صادق»، چرا؟ چون استظهار عرفی از «یتبیّن» این نیست که نماز صبح از تبیّن فجر صادق است؛ اگر شارع این را موضوع قرار داده بود، متشرعه آن را قید کرده بودند. می‌گفتند موضوع «تبیّن» است، ولی این را نمی‌گویند چون ارتکازشان این است. بحث ما سر این بود که اگر در آیه شریفه «تبیّن» را جزء موضوع قرار بدهد، درست است. اما اگر تلفیقی از این باشد که «کلوا و اشربوا»، آن موضوع است و شما همه مستصحب هستید و مشکلی ندارید تا تبیّن موضوع بشود. نه اینکه خود «تبیّن» جزء الموضوع بشود. این تفاوت می‌کند.

شاگرد: الآن «تبیّن» غایت اکل و شرب هست یا نیست؟

استاد: بالاستصحاب هست.

شاگرد: ولی ظاهرش این است که «حتی» سر «تبیّن» درآمده است.

استاد: در بلادی که کمی نور هست و نمی‌بینند، این تبیّن شده. می‌گویید: من که نمی‌بینم، می‌گویم: شده ولی شما نمی‌بینید.

شاگرد۲: جلسه قبل شما بحث را یک قدم جلو بردید. این قسمت از فرمایش شما را مثل مرحوم امام و حاج آقای زنجانی جواب می‌دهند. مثلاً حاج آقای زنجانی به این صورت می‌فرمایند که فرض کنید در یک صفحه سفید «اللهاکبر» بنویسد، چون صفحه سفید است صدق «اللهاکبر» می‌کند ولی اگر کل صفحه را سیاه کنیم دیگر اصلاً چیزی نیست. مرحوم امام هم تمثیلی مثل این دارند می‌گویند ثبوتا چیزی نیست. شما دیروز آلودگی نور را که گفتید می‌توانند جواب آن باشد. یعنی آیا کسی ملتزم می‌شود که وقتی پروژکتور خیلی قوی نصب کنند، بگویند ثبوتا نیست؟! یعنی طیف چشم ما تا یک جایی تفکیک می‌کند، از یک جایی دیگر نور هست ولی چشم

ما تفکیک نمی‌کند. این بحث‌ها ادامه این می‌شود.

استاد: یعنی دو نور که هست، یکی دیگری را معدوم نمی‌کند، بلکه آن دیگری هم هست. قدرت تفکیکی که ما باید بین دو نور تفکیک بدهیم نیست.

شاگرد: آن‌ها می‌گفتند گوای یک چیز جدیدی درست می‌شود، شما می‌فرمایید همان است ولی الآن ما قدرت تفکیک نداریم.

استاد: مثلاً الآن شب باشد و یک ماشینی یک کیلومتر آن طرف‌تر چراغش روشن باشد، شما کامل می‌بینید که یک ماشینی ایستاده و چراغش روشن است. اما همین چراغ اگر در روز روشن باشد، تشخیص آن مشکل است که ببینید واقعاً چراغش روشن هست یا نیست.

شاگرد۲: عرض من این بود: آن نوری که خود شارع می‌تابانند با این نوری که ما می‌بینیم فرق می‌کند. یعنی وقتی می‌خواهیم در تقدیر بگیریم، گوای خود شارع این را در موضوع دخالت داده است.

استاد: ببینید یکی از مشکل های کار این است: در نص که لیالی سیزده و چهارده و پانزده را ندارید. خُب واقعاً اگر صحبت از نور است، از هشتم و نهم دیگر ماه ِحساب دارید، خُب آن وقت چه کار کنید؟! ضابطه چه شد؟! هر روز باید در هر بلدی برای خودشان ببینند. آیا این جور است؟!

شاگرد۲: یک بار که انجام شد، معموالً دیگر معلوم است. طلوع و غروب قمر و لیالیای که این وسط می‌افتد معلوم است.

شاگرد: یعنی شما می‌فرمایید در همان لیالی مقمره ثبوتا تبیّن می‌شود؟

شاگرد۲: نه دیگه، "تبیّن لکم" نیست

شاگرد: چون پروژکتور با نور خدا که قابل تفکیک نیست. اگر ثبوتا می‌شود که تبیّن است، اگر نمی‌شود باید آن جا را هم بپذیرید.

استاد: حالا من باز فرمایش آقا را می‌بینم. اینها بحث‌های خوبی است. غیر از این‌که اطلاعات موضوعی و علمی بیشتر کسب کنیم، خوب است که نکات فقهی آن را هم بیشتر تأمل کنیم.

---

[1] البقره ۱۸۷

بازبینی #2
ایجاد شده 15 ژانویه 2026 12:02:01 توسط ... .
به روزرسانی شده 15 ژانویه 2026 12:22:07 توسط ... .